زبان و ادبیات فارسی: تشریح قلب یک کنایه (نقدی بر نقل وارونه ی یک کنایه در چند فرهنگ فارس معاصر)

فیروزنیا، علی اصغر

آیا«کاسه‏یی زیر نیم‏کاسه هست»یا«نیم‏کاسه‏یی زیر کاسه»؟

اگر به فرهنگ‏های معاصر فارسی،چه یک زبانه(فارسی)چه دو زبانه(انگلیسی-فارسی)مراجعه کنیم،می‏بینیم که کنایه‏ی یاد شده به‏ دو صورت نقل شده است،ابتدا به نقل صورت نخستین آن،سپس به‏ نقل شکل دوم آن می‏پردازیم.

البته گفتنی‏ست که همه‏ی فرهنگ‏ها در مفهوم کنایی آن، اتفاق‏نظر دارند.

الف-فرهنگ‏هایی که شکل نخست آن را ذکر کرده‏اند:

1-«کاسه در زیر نیم‏کاسه بودن:1-موضوع پنهانی در میان بودن. 2-حیله‏یی در کار بودن».(فرهنگ معین،ج 3،ص 2830)

2-«کاسه‏یی زیر نیم‏کاسه یافتن:فریب کسی ظاهر ساخته و عجائبات مشاهده نمودن».(لغت‏نامه‏ی دهخدا،ج 11،ص 15874)

3-«کاسه‏ای زیر نیم‏کاسه داشتن(گفت‏وگو)(مجاز)قصد توطئه داشتن یا مساله‏یی را پنهان کردن،قصد فریبکارانه داشتن». (فرهنگ بزرگ سخن،ج 6،ص 5686)

4-«کاسه‏یی زیر نیم‏کاسه بودن:موضوع پنهانی در میان بودن، حیله‏یی در کار بودن».(فرهنگ معاصر،صص 682-683)

5-«کاسه‏یی زیر نیم‏کاسه است».(ضرب المثل:فریب و فسونی‏ در کار پنهان است).فرهنگ فشرده‏ی زبن فارسی،ص 728)

6-«کاسه‏یی زیر نیم‏کاسه داشتن. Be up no good (فرهنگ معاصر هزاره،ص 1842)

7-«کاسه‏یی زیر نیم‏کاسه داشتن:قصد توطئه داشتن یا مساله‏یی‏ را پنهان کردن،قصد فریب‏کارانه داشتن».(فرهنگ کنایات سخن،ج 2، ص 1224)

ب-فرهنگ‏ها و ماخذی که صورت دوم کنایه را نقل کرده‏اند.

1-«نیم کاسه در زیر کاسه داشتن:کنایه از مکروحیله».(فرهنگ‏ کنایات،ص 316)

2-«زیر کاسه نیم‏کاسه‏یی هست،نظیر:زیر پرده نیم‏پرده‏یی هست‏ -صورتی در زیر دارد آن‏چه در بالاستی(ابو القاسم میرفندرسکی)» (دوازده هزار مثل فارسی،ص 616)

3-«زیر کاسه نیم‏کاسه‏یی هست

There are wheels within wheels.There is something in the wind. )فرهنگ معاصر کوچک حییم،ص 492)

مقایسه‏ی این دو صورت از کنایه‏ی مورد بحث در این ماخذ و فرهنگ‏ها،خواننده را دچار تناقض می‏کند.برای پی‏بردن به اصل این‏ کنایه،بهترین مرجع،کتاب امثال‏وحکم علامه دهخداست.

«زیر آن کاسه یا زیر کاسه،نیم‏کاسه است.فریب و فسونی در این‏ کار پنهان است.این صورت،باطنی دگرگون دارد.نظیر هذا الکبش‏ نبش».(امثال‏وحکم،ج 2،ص 932)

باید توجه داشت که کتاب امثال‏وحکم را علامه دهخدا خود تالیف‏ کرده،اما لغت‏نامه را ایشان با همکاری گروهی از ادیبان از جمله دکتر محمد معین تالیف نموده است.(ر.ک.به پایان ج 6،فرهنگ معین، زندگی‏نامه‏ی مولف)،هم‏چنین گفتنی‏ست که لغت‏نامه‏ی دهخدا پس از فرهنگ معین انتشار کامل یافت.(ر.ک.به فرهنگ معین،مقدمه،ص 94)

باتوجه به این نکته،این اختلاف تعبیر کنایه در امثال‏وحکم و لغت‏نامه روشن می‏شود.

احتمالا ابهام و کژتابی در معنای کلمه‏ی«نیم‏کاسه»در تغییر و تحریف صورت اصیل و اصلی این کنایه موثر بوده است.

در فرهنگ معین،ذیل لغت«نیم»چنین اطلاعاتی داده شده است: «1-(اعد.)نصف هر چیز.

نیم نانی گر خورد مرد خدای‏ بذل درویشان کند نیم دگر(گلستان)

2-وسط،میانه:نیم‏روز،نیم‏شب».

(فرهنگ معین،ج 4،ص 4907)

در فرهنگ روز سخن در مورد کلمه‏ی«نیم»اطلاعات کامل‏تری‏ داده شده است:«نیم»(ا.)

1-نصف هر چیز.

2-جزء پیشین بعضی از کلمه‏های مرکب به معنی«دارای اندازه‏ی‏ کوچک‏تر»:نیم‏چکمه،نیم‏کاسه.

3-جزء پیشینی بعضی از کلمه‏های مرکب،به معنی«به شکل نیمی‏ از یک چیزی»:نیم‏تاج،نیم‏دایره.

4-جزء پیشینی بعضی از کلمه‏های مرکب،به معنی«بواقع در وسط یا نیمه‏ی چیزی»:نیم‏روز،نیم‏شب.

5-جزء پیشینی بعضی از کلمه‏های مرکب،به معنی«ناتمام و ناقص»:نیم‏پز،نیم‏خورده.(فرهنگ روز سخن،ص 1292)

در فرهنگ معین،واژه‏ی«نیم‏کاسه»این‏گونه تعریف شده است: «1-کاسه‏ی متوسط،ضح-پیاله‏ی خرد را«جام»نام است و کلان‏ را«کاسه»و متوسط را«نیم‏کاسه»و«نصفی»(خان‏آرزو،بها،نصفی)

2-نوعی ظرف چوبین نیم‏کروی».(فرهنگ معین،ج 4،ص 4913)

در فرهنگ روز سخن نیز در تعریف همین واژه چنین آمده است: «نیم کاسه:(ا.)کاسه‏ی کوچک،پیاله».(فرهنگ روز سخن،ص 1292)

پس تکواژ«نیم»در واژه‏ی«نیم‏کاسه»به معنی«دارای اندازه‏ی‏ کوچک‏تر»است،نه به معنی«به شکل نیمی از یک چیز».

دکتر هاشم رجب‏زاده نیز درباره‏ی این کنایه چنین نوشته است: «این مثل هنگامی به کار می‏رود که بخواهند بگویند که در کار کسی یا در پیشامدی فریب و افسون و نیرنگی هست یا که قضیه جز آن است‏ که نشان می‏دهد.در این مثل،قضیه به کاسه‏یی تشبیه می‏شود که زیر آن نیم‏کاسه یا کاسه‏ی کوچک‏تری باشد؛کاسه‏ی بزرگ‏تر که دیده‏ می‏شود،خالی‏ست و وارونه گذاشته شده است.اما زیر آن باید کاسه‏ی‏ دیگر و کوچک‏تر که حاوی ماده‏ی اصلی می‏باشد،نهفته باشد».(برخی‏ از مثل‏ها و تعبیرات فارسی،ص 165)

پس با عنایت به نکات یاد شده،صورت دوم این کنایه،صحیح و شکل مقلوب آن مغلوط است.

در پایان،ذکر این نکته ضروری می‏نماید که باتوجه به کاربرد فراوان کنایه در زبان فارسی،دقت در نقل و استعمال این صنعت ادبی‏ وظیفه‏ی تک‏تک اهل زبان و قلم است تا هم گفته‏ها و نوشته‏ها جلوه‏یی‏ پسندیده‏تر بیابد و هم این میراث گران‏سنگ،درست و شایسته به دست‏ نسل‏های آینده سپرده شود.

منابع

1-امثال‏وحکم:علی اکبر دهخدا،تهران،امیر کبیر،ج 8،1374

2-فرهنگ فارسی،محمد معین،تهران،امیر کبیر،ج 8،1373.

3-فرهنگ روز سخن،حسن انوری،تهران،انتشارات سخن،ج 1،1383.

4-فرهنگ کنایات سخن،حسن انوری،تهران،انتشارات سخن،1383.

5-فرهنگ معاصر فارسی-انگلیسی کوچک،سلیمان حییم،تهران،انتشارات‏ فرهنگ معاصر،ج جدید،ج 13،1381.

6-برخی از مثل‏ها و تعبیرات فارسی(ادبی و عامیانه)،دکتر هاشم رجب‏زاده، انتشارات استان قدس رضوی،ج 1،1372.

7-فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی هزاره،(در یک جلد)،علی محمد حق‏شناس‏ و حسین سامعی و نرگس انتخابی،تهران،انتشارات فرهنگ معاصر،ج 7،1385.

8-فرهنگ معاصر،رضا انزابی‏نژاد و منصور ثروت،امیر کبیر،تهران،ج 1366،1

9-فرهنگ فشرده‏ی زبان فارسی،دکتر مهشید مشیری،تهران،نشر پیکان،ج‏ چهارم،1378.

10-دوازده هزار مثل فارسی و سی‏هزار معادل آن‏ها،دکتر ابراهیم شکورزاده‏ بلوری،مشهد،انتشارات آستان قدس رضوی،ج دوم،1384.

11-فرهنگ کنایات،منصور ثروت،تهران،امیر کبیر،ج اول،1364.

12-لغت‏نامه‏ی دهخدا،علی اکبر دهخدا،تهران،موسسه‏ی انتشارات و چاپ‏ دانشگاه تهران،چاپ اول از دوره‏ی جدید،بهار 1373.

آرزوی بازگشایی حافظ

بس شکر خدا که حق به حق‏دار رسید شب رفت و سپیده چون سپیدار رسید حافظ که چو یوسف به چه‏اش افکندند از چاه برون شد به خریدار رسید

کیومرث مهدوی-خدیو

رئیس انجمن ادبی خدیو(شعرای ایران)

خط سوّم

برای دوست اندیشمند هر مز ممیزی

در خط مورب،برسد روز وصال‏ در خط موازی،نبود این احوال‏ در خط مورب که تلاقی رسم است‏ آهنگ تلطف بکشد گه به جدال‏ حیرانم از این‏دو،چه خطی بگزینم‏ تا فاش بگویم که بود وصف‏الحال‏ ناگاه ز هاتفی شنیدم،گفتا: خواهی برسی اگر به سر حد کمال‏ خط دگری بباید«اسود»بکشی‏ آسوده از آن قیل و به دور از این قال

فریدون ضرغامی«اسود»

دردآشنای کشور

فردی‏ست از تبار وفا پرفسور امین‏ باشد هماره مرد خدا پرفسور امین‏ وقت نیایش و طلب مغفرت ز حق‏ زیبد بر او دعا به سزا پرفسور امین‏ مهرآفرین و خوش‏نظر و عاشق وطن‏ عاری بود ز رنگ‏وریا پرفسور امین‏ در جمع دوستان و ادیبان انجمن‏ ورد زبان بود همه‏جا پرفسور امین‏ در راه علم و دانش و ایمان و معرفت‏ از دام علم‏ودانش ایمان و معرفت‏ از دام غم نگشته رها پرفسور امین‏ آثار او زبان‏زد اهل قلم بود کی می‏رود ز خاطره‏ها پرفسور امین‏ هم‏چون معلمی‏ست«سفیرا»به روزگار دردآشنای کشور ما پرفسور امین

سید محمد تهرانپور(سفیر نیشابوری)

تا انتهای حضور

صبح‏دم مرغ خوش‏الحان چو به بالین آمد گفت برخیز امین،مرد دل‏ودین آمد شب‏پره تاب نیاورد ترا حافظ بست‏ ای سیاهی!نگران باش که پروین آمد جام جم سرکش و سرخوش به تماشا بنشین‏ تا ببینی که دگر باره به آیین آمد ساقیا می بده و غم مخور از دشمن و دوست‏ که به کام دل ما آن بشد و این آمد رسم نامردی ایّام چو دید ابر بهار گریه‏اش بر سمن و سنبل و نسرین آمد سرکش ای مرغ سحر نغمه‏ی داودی باز تا ببینی به وطن عاشق مسکین آمد بیدلی گفته‏ی حافظ بشنید از پروین‏ گفت:خوش باش که آن خسرو شیرین آمد

حافظ عزیزی نقش-تهران